

این بمب ساعتی را جدی بگیرید

صفحه ۸ را بخوانید



«فرهیختگان» فروش های سینمای ۲۰۱۹ را بررسی کرد

سینمای ۲۰۱۹ بدون شگفتی

فرهیختگان

روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
تهران ۴۰۰۰ تومان
شهرستان‌ها و واحدهای
دانشگاهی ۱۵۰۰ تومان

شماره مسلسل ۲۶۵۸
تکثیریه ۱۰ آذر ۱۳۹۸
۴ ریمه‌تالی ۱۴۴۱
اول دسامبر ۲۰۱۹
شماره ۲۹۲۰

www.fdn.ir | Sun | 01 Dec 2019 | vol.10 | No. 2920 | 16 Pages



کارنامه خوانی
۵ رئیس مجلس
پس از انقلاب
۱۵، ۱۴، ۲

شروع انتخابات ۱۴۰۰

لاریجانی گفت برای انتخابات اسفند برنامه‌ای ندارد قصد او احیای سیاسی برای ۱۴۰۰ است یا...؟!

حمایت از ایده‌های دانشجویی در سرراه‌های نوآوری

۱۶

دکترین شوک به آموزش و پرورش رسید؟

لزوم ورود مجلس به یک اتفاق خطرناک در بودجه ۹۹

۱۶

بودجه‌ای که فقط روی کاغذ تحقق یافت

«فرهیختگان» سرانه دانشجویان دکتری دانشگاه‌های دولتی را در سال ۹۸ بررسی کرد

۱۵

قرآن و معترت

دانشگاه آزاد اسلامی برگزار می‌کند
سین چهره‌ها در جشنواره ملی

دانشجویان سراسر کشور

در بخش‌های ادبی، پژوهشی و فناوری
هنری، ادبی، پژوهشی و فناوری

دانشگاه آزاد اسلامی شیراز
۱۲ الی ۱۴ آذر ماه ۱۳۹۸

اقتراحیه: سه شنبه ۱۳۹۸/۹/۱۲ ساعت ۸:۳۰ صبح،
شیراز، کیلومتر ۵ شهر جدید صدرا، پردیس دانشگاه آزاد
اسلامی شیراز مجتمع فرهنگی پیامبر اعظم (ص)

اختتامیه: پنجشنبه ۱۳۹۸/۹/۱۴ ساعت ۹ صبح حرم مطهر حضرت
احمدین موسوی (ع) - شبستان امام خمینی (ره)

گروانی بنزین از منظر کلان و چند پیشنهاد

یادداشت

رئیس جمهور وقت، مساله اصلاح نظام بانکی رها شده و در مقابل به سراغ اجرای هدفمندی یارانه‌ها رفتند و با نادیده گرفتن گام‌های مهم مورد اشاره، اصطلاحاً جراحی را از پله چندم شروع کردند. ناگفته نماند که برخی شواهد گویای آن است که صندوق بین‌المللی پول در انتخاب هدفمندی به عنوان گام اول اصلاح اقتصادی، نقش آفرین بوده که تفصیل آن، فرصت دیگری را می‌طلبد. آذر ۱۳۸۹ با تدارک وسیع دولت و هماهنگی با کلیه بخش‌ها و اطلاع‌رسانی به مردم، اقتصاد تحت یک جراحی سنگین قرار گرفت و دولت وقت با گران کردن حامل‌های انرژی اعم از بنزین و گازوئیل، در مقابل به هر ایرانی مبلغ ۴۵ هزار تومان یارانه داد. چند ماه بعد آمریکا با آنکه به نوعی فضا را مهیا می‌دیدند، با تحریم بانک مرکزی و نفت ایران یک شوک بیرونی به اقتصاد در دوران نجات ایران وارد کردند. بنابر اعلام منابع خبری، قرار بود تحریم‌ها پیش از این به ایران تحمیل شود لکن مقامات آمریکایی با اطلاع از اجرای هدفمندی یارانه‌ها، دست نگه داشتند تا در فرصتی مناسب، این ضربه را به اقتصاد ایران وارد کنند. این شوک با هدف گرفتن نرخ ارز باعث شد دلار غیررسمی از ۱۰۰۰ تومان به بیش از ۳۵۰۰ تومان افزایش یابد و در نتیجه رفتار مخرب نظام بانکی، این بحران خیلی سریع به سایر بازارها نیز سرایت کرد. مهم‌ترین شاخصه جهش قیمت‌ها در آن دوران پراید ۲۱ میلیونی بود که در روزهای قبل از شوک ارزش ۷ میلیون تومان داشت. یکی از نتایج مهم این تغییرات از بین رفتن آثار هدفمندی یارانه‌ها بود، بدان معنا که نه تنها به شرایط پیش از هدفمندی، بلکه به چند پله عقب‌تر برگشتیم. نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۱ با لحاظ نفت برابر منفی ۸.۶ و بدون لحاظ نفت برابر منفی ۱۰.۱ درصد شد. در واقع مکانیسم اثرگذاری شوک به این گونه بود که با اعلام تحریم‌ها از سوی رئیس‌جمهور وقت آمریکا، به دلیل انتظارات منفی شکل گرفته در بین عوامل اقتصادی و عدم اشراف دولت بر روندهای اقتصاد، همچنین به دلیل رفتار مخرب بانک‌ها، در کنار عدم تکمیل و توسعه نظام مالیاتی که در چنین مواقعی می‌تواند نقشی بازدارنده در مقابل حملات سفته‌بازانه و مخرب ایفا کند، تقاضای سفته‌بازانه برای ارز زشد یافت. این رشد تقاضا در ادامه منجر به کاهش شدید ارزش پول ملی شد، افزایش شدید تورم و کاهش قدرت خرید آحاد مردم تبعات بعدی این شرایط بود. شاخص تورم ۱۲ ماهه که در آذر ۸۹ (پیش از هدفمندی) حدود ۱۰ درصد بود در نتیجه این روند در ماه‌های ابتدایی ۹۲ به حدود ۴۰ درصد رسید. سال ۱۳۹۲ دولت تدبیر و امید با هدف برداشتن تحریم‌ها، وارد فرآیند فرسایشی مذاکره با قدرت جهانی به محوریت آمریکا شد. در طول سال‌های قبل و بعد از برجام در نتیجه رویکرد برون‌گرای دولت و بلا تکلیف گذاشتن ظرفیت‌های درونی، اقتصاد به یک عرضه جدید یعنی «شرطی شدن» نیز مبتلا شد، به گونه‌ای که عوامل اقتصادی به دلیل عدم قطعیت‌های تزریق شده به اقتصاد کلان، نه تنها از انجام سرمایه‌گذاری‌های جدید امتناع کردند، بلکه روند خروج سرمایه نیز سرعت یافت. دولت آمریکا چنین شرایطی را مستعد تحمیل شوک بیرونی تلقی کرده و با هدف تضعیف هرچه بیشتر اقتصاد، ترامپ در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ خروج از برجام را اعلام کرد. مشابه دوره قبل این شوک بیرونی در کنار ساختارهای مخرب درونی، ارزش اسمی نرخ ارز را به بیش از چهار برابر افزایش داد، دوباره با رفتار مخرب بانک‌ها و حملات سفته‌بازانه، بحران خیلی سریع‌تر به سایر بازارها از جمله مسکن، خودرو و طلا سرایت کرد. در نتیجه این فرآیند قدرت خرید مردم به ویژه طبقات ضعیف و متوسط و همچنین

به دنبال افزایش نرخ بنزین و سهمیه‌بندی آن در پامداد ۲۴ آبان ۱۳۹۸ و اتفاقات پس از این تصمیم، رهبر انقلاب در درس خارج مورخ ۲۶ آبان ۱۳۹۸ فرمودند: «نظرات کارشناسان ما هم در این قضیه مختلف است، بعضی‌ها آن را لازم و واجب می‌دانند، بعضی‌ها مضر می‌دانند. «فارغ از نظرات کارشناسان موافق این اقدام، منتقدان به این تصمیم شوک‌آور دولت نیز دو دسته‌اند: دسته اول کسانی هستند که معتقدند: «با توجه به شرایط جنگ اقتصادی، خروج آمریکا از برجام، وضعیت مولفه‌های درونی اقتصاد همچون رشد فزاینده نقدینگی، شاخص تورم، رفتار اقتصادی مخرب بانک‌ها، حساسیت‌های نرخ ارز، فرار مالیاتی، کاهش تاب‌آوری مردم و نظایر آن، اقتصاد ایران اولویت‌های بالاتر و فوری‌تری دارد و اساساً مساله بنزین، اولویت امروز اقتصاد ایران نیست و رفتن به سراغ گرانی بنزین -ولو به بهانه مقابله با قاچاق سوخت، تحقق عدالت اجتماعی، تامین کسری بودجه دولت، مدیریت مصرف سوخت یا هر بهانه دیگری- یک خطای راهبردی از سوی تصمیم‌ساز است، به‌ویژه آنکه نگرانی‌های ناشی از قاچاق یا افزایش مصرف بنزین را با راهکارهای غیرقیمتی جایگزین می‌توان مرتفع کرد. «دسته دوم البته کسانی هستند که اصل گران شدن بنزین را پذیرفته و آن را یک مساله قانونی می‌دانند و فقط راجع به زمان و نحوه اجرای آن اصطلاحاً آن قلم می‌آورند؛ این مساله در نقطه‌ها، یادداشت‌ها و بیانیه‌هایی که به‌ویژه این روزها در رسانه‌ها باز نشر می‌یابد کاملاً مشهود است. یعنی حتی سخت‌ترین منتقدان هم ابتدا می‌گویند: «درست است که بنزین باید گران می‌شد (۱). قانون هم این اجازه را به دولت داده اما نقد اصلی راجع به نحوه گران کردن، بی‌اطلاع گذاشتن مردم و از این قبیل مسائل است، «نگارنده که خود جزو دسته اول منتقدان است، معتقد است می‌بایست پاسخ روشنی را برای سوالات زیر یافت: ۱- آیا در اقتصاد ایران، سیاست‌هایی با اولویت بالاتر و فوری‌تر نسبت به تعدیل قیمت بنزین وجود ندارد؟ ۲- آیا وجود قانون هدفمندی یارانه‌ها مصوب ۱۵ دی ۱۳۸۸ و سپس قانون برنامه ششم توسعه مصوب ۲۵ اسفند ۱۳۹۵ که اجازه افزایش قیمت تدریجی حامل‌ها از جمله بنزین را با رعایت ملاحظات اجتماعی و اقتصادی به دولت داده‌اند، برای صحت این گزاره کلیتاً می‌کند که: «قبول است که بنزین باید گران می‌شد، اما نحوه اجرای آن در تاریخ ۲۴ آبان ماه اشتباه بوده است؟» پیش از جواب به سوالات فوق، نگاهی گذرا به تجربه‌های اخیر ایران (و نه سال‌های دور) می‌اندازیم. سال ۱۳۸۷ طرح تحول اقتصادی در دولت نهم با هدف انجام اصلاحات ساختاری در اقتصاد ایران از طریق هفت محور کلیدی (بانک، گمرک، مالیات، توزیع کالا و خدمات، یارانه، بهره‌وری و ارزش‌گذاری پول ملی) تدوین شد. هفت محوری که به نوعی مهم‌ترین بیماری‌های اقتصاد ایران را برای اصلاح و جراحی هدف گرفته بود. هم‌زمان با پیشنهاد طرح مذکور، سوال مهمی مطرح شد مبنی بر اینکه یک دام یک از این هفت محور کلیدی، «اولویت اول» اقتصاد ایران برای جراحی است؟ گروهی از کارشناسان و برخی اعضای تیم اقتصادی دولت معتقد بودند «هر طرح بزرگ اقتصادی که قبل از اصلاح نظام بانکی به اجرا درآید، نهایتاً به دلیل رفتار مخرب بانک‌ها نه تنها خنثی شده بلکه با شکست مواجه خواهد شد و بدیهی است که این امر، ابتدا نیازمند ایجاد اشراف اقتصادی با تجمیع سامانه‌های اطلاعات اقتصادی در وزارت اقتصاد است، اما نهایتاً با اصرار